

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال نهم شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۶ (صص ۲۱۲-۱۹۳)

بررسی تطبیقی ماهیت دنیا و پیوند آن با رنج در اسلام و آیین بودایی

۱- سید محمد حسین موسوی ۲- فیاض قرایی ۳- محمد حسن رستمی ۴- سید حسین سید
موسوی

چکیده

ماهیت دنیا یکی از موضوعات مهمی است که در مکاتب گوناگون از آن سخن به میان آمده است. بر اساس آموزه‌های قرآنی روایی اسلام ماهیت دنیا با عناوین مختلف تعریف شده به عنوان نمونه؛ ماهیت وابسته و مخلوق خدا، سرای آزمایش، آمیختگی رنج و شادی، و در روایات با تشبیهات بسیار زیبا به تبیین ماهیت دنیا پرداخته شده است به عنوان نمونه دنیا به مصادیقی نظیر پل، جامه دریده، سفر و مسافر، مهمان‌خانه و... که در تمامی این موارد اشاره به ناپایداری ماهیت دنیا هویدا است. آیین بودا نیز به عنوان یکی از مکاتب معنوی، دنیا را در سه نشانه در عالم هستی معرفی کرده است که از جهاتی با دین اسلام مشابه است نظیر پذیرش رنج در ماهیت دنیا و خاستگاه رنج در ماهیت دنیا و از جهاتی متفاوت نظیر تفاوت در مبدأ آفرینش دنیا و تفاوت در خاستگاه رنج در دنیا، و... مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی با رویکرد تطبیقی در صدد بیان این شباهت‌ها و افتراق‌ها و وجوه امتیاز آن‌ها در دو نگاه اسلام و آیین بودا می‌باشد.

کلید واژه: ماهیت دنیا، اسلام، آیین بودا، رنج.

۱-مقدمه

«بودا» نام مشهورموسس آیین بودائی است. نام مشخص وی «سیدارتا» از نژاد «گیش گوتاما»،

Email: drmoosavi@theo.usb.ac.ir

۱-استادیار رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email: f.gharaei @ um.ac.ir

۲- دانشیار دانشکده الهیات رشته ادیان و عرفان دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

Email: rostami @um.ac.ir

۳- دانشیار دانشکده الهیات رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

Email: hmosavi@um.ac.ir

۴- دانشیار دانشکده الهیات رشته معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱۳

وابسته به خاندان سلطنتی «ساکیا» است (ویلسون راس، ۱۳۷۴: ۱۲؛ هوپ، ۱۳۷۸: ص ۸؛ بایرناس، ۱۳۸۶: ۱۷۷). آئین بودائی یکی از ادیان باستانی هند است. بودیسم، مکتبی تعقلی و تفکری است که در قرن ششم قبل از میلاد در هندوستان ظهور کرد و در قرون بعدی بخشهای وسیعی از آسیا را فرا گرفت. یکی از موضوعات مطرح شده در آیین بودا فرضیه وجود رنج فراگیر در عالم هستی است که ریشه آن را در دنیا شناسی این آیین می توان جستجو کرد از سوی دیگر در اسلام هم بحث رنج و مصیبت مطرح است که باز هم رابطه ناگسستگی میان (رنج) و دنیا شناسی در دین اسلام برقرار می باشد.

۱-۱ بیان مساله

ماهیت دنیا به عنوان یک حقیقت بیرونی در اسلام و آیین بودا بدان پرداخته شده است که شناسایی دقیق آن بستر مناسبی جهت شناخت ماهیت رنج می باشد. ماهیت دنیا در اسلام به عنوان حقیقتی گذرا از آن یاد شده است و در روایات با مثالهایی نظیر پل، سایه و ابر، مسافر و... و در قرآن با نگاهی غیر اصیل و مقدمه جهان دیگر معرفی شده و با توصیفاتی نظیر کالای اندک، سرای آزمایش، تنیدگی سختی ها با آسانی ها به آن اشاره شده است، (رعد/۲۶؛ انشراح/۵؛ هود/۷) تمامی این عناوین و یادکرد از دنیا به ماهیت رنج آلود دنیا اشاره دارد، در آیین بودا نیز زیر ساخت آموزه رنج در زندگی انسان را بایستی در نگاه او به دنیا پی جویی کرد؛ او حقیقت رنج را در سه نشانه برای هستی بیان می کند که عبارتند از:

۱. ناپایداری یا انیچه (anicca به سنسکریت انیتیه anitya)

۲. نداشتن جوهر یا آنا ته (Anatta به سنسکریت اناتمن Anātman)

۳. رنج یا دوهکه (Duhkha به سنسکریت Dukkha)

۲-۱ سوالات تحقیق

مقاله حاضر در صدد پاسخ گویی به این سوالات است

۱. دنیا در اسلام و آیین بودا چگونه معرفی شده است؟
۲. اشتراکات و افتراقات آن دو در چیست؟
۳. امتیازات اسلام در ارائه ماهیت دنیا چیست؟

در پاسخ به سوالات فرض این است که شباهتی که در اسلام و آیین بودا در ماهیت دنیا وجود دارد ماهیت گذرا داشتن دنیاست که مانع دستیابی به شادی است و بستر رنج را در زندگی دنیا برای انسان رقم می‌زند؛ اما در اسلام ریشه رنج‌ها در دنیا برای انسان‌ها اراده غالب و قاهری است که بر اراده انسان غالب است و آن اراده خداوند است، اما در آیین بودا سخنی از خدا به عنوان مبدأ عالم هستی و منشأ بیرونی داشتن این رنج‌ها نیست اساساً پس از طی مراحل پنج‌گانه انسان بایستی از رنج رهایی یابد، امتیاز دین اسلام در هدفمندی جنبه پرورشی داشتن رنج‌ها و مصیبت‌هاست.

۳-۱- روش تحقیق

در این تحقیق، از روش توصیفی تحلیلی با رویکرد تطبیقی با مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است.

۴-۱- اهداف تحقیق

پیش از بیان هدف این مقاله به عنوان مقدمه تذکر این نکته بایسته است که در دنیای کنونی که در آن ادیان و مذاهب و آیین‌های متفاوتی وجود دارد یا هر روزه بوجود می‌آیند یکی از راه‌کارها جهت شناخت دقیق و واقعی از آن‌ها تطبیق آموزه‌های آن‌ها بر همدیگر است تا در این بین نقاط قوت و ضعف هر کدام روشن شود هدف از این نوشته نگاه تطبیقی میان دین اسلام و آیین بودا در موضوع (ماهیت دنیا) می‌باشد تا در نتیجه نقاط قوت و ضعف بر ملا شده و جستجوگر درباره حقیقت ماهیت دنیا با تصویری روشن تفاوت نگاه به (دنیا) را در دین اسلام و آیین بودا تشخیص دهد.

۵-۱- ضرورت تحقیق

اهمیت موضوع هم با توجه به این نکته که بودا دنیا و همان هستی را مساوی با رنج می‌داند و راه‌های هشتگانه‌ای جهت رهایی از آن ارائه می‌دهد از سوی دیگر تأثیر تمدن و تکنولوژی جدید بر دگرگونی و بهتر شدن وضع زندگی مادی بشر، امری انکارناپذیر است؛ اما این واقعیت تلخ را نیز نمی‌توان کتمان کرد که تمدن مدرن، یکی از عوامل غفلت آدمی از اصلی‌ترین ساحت وجودی خود یعنی روح ملکوتی انسانی می‌باشد. در نتیجه، بحران‌ها و بُن‌بست‌های پیچیده فراوانی در زندگی بشر امروزی ایجاد شده است. یکی از آموزه‌های مهم و جذابی که انسان، مخصوصاً انسان امروز به آن نیاز دارد، شادی و رهایی از رنج است. لذا اهمیت دارد این موضوع به عنوان نیاز بشر امروزی

مورد بررسی در دین اسلام و آیین بودا مطرح گردد تا مشخص شود کدام یک بطور حقیقی و واقعی انسان را از رنج رهایی و به شادی واقعی می‌رسانند.

۶-۱ پیشنهاد تحقیق

تاکنون کتاب‌ها و مقالات فراوانی در رابطه به معرفی آیین بودا چه مستقل و چه با نگاه تطبیقی نگاشته شده است به عنوان نمونه: کتاب آئین بودا در جهان امروز، نوشته کازینز، ال. اس، ترجمه و تحقیق علیرضا شجاعی، که مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در سال ۱۳۸۴ ش. چاپ شده است که در آن ابتدا در مورد خود بودا و آیین او بحث سپس به دورانهای گسترش این آیین در دوره‌های پس از بودا پرداخته است؛ کتاب مهم دیگر در این زمینه تاریخ فلسفه شرق و غرب، نوشته کریشنان، ترجمه خسرو جهانگیری که انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۶۷ ش، چاپ کرده است؛ این کتاب فرهنگ‌نامه جامعی جهت شناسایی مکاتب و ادیان شرق می‌باشد و همچنین کتاب ادیان هند نگاشته دکتر فیاض قرایی که به معرفی ادیان هند از جمله آیین بودا پرداخته است. مقالات فراوانی نیز در این حوزه (البته کمتر با نگاه تطبیقی بین اسلام و آیین بودا) به رشته تحریر در آمده است به عنوان نمونه: بررسی تطبیقی دو مفهوم (فنا) در عرفان اسلامی و (نیروانه) در آیین بودا نوشته فاطمه مقدم پور که در فصلنامه انجمن شماره ۵ چاپ شده است در این مقاله مولف به اشتراکات و تفاوت‌های در مفهوم فنا در عرفان اسلامی و نیروانه در آیین بودا پرداخته است. در مقاله دیگر با عنوان راه‌های رهایی از رنج در آموزه‌های قرآنی و آیین بودا تالیف سید محمد حسین موسوی در مجله آموزه‌های قرآنی شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ با نگاهی تطبیقی راه‌کارهای رهایی از رنج را در دو دیدگاه اسلام و آیین بودا تبیین نموده است. و همچنین مقاله دیگر با عنوان (بررسی تطبیق مسئله رنج در بودا و امامان شیعه) با رویکرد تطبیق در مفهوم (اصل رنج)، یکی از اصول مطرح از سوی بودا و امامان شیعه (علیهم السلام) را تبیین و بررسی نموده است؛ و شباهت‌ها و تفاوت‌های دو دیدگاه را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده سید محمد حسین موسوی در مجله شیعه‌شناسی در شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۰ چاپ شده است. اما مقاله پیش‌رو با نگاه تطبیقی میان اسلام و آیین بودا در تلقی هر کدام از دنیا و رابطه آن با رنج موضوع جدیدی است که تا بحال کار نشده است.

۲-واقعیت‌شناسی هستی در قرآن

از جمله اهداف نزول قرآن، رسالت انبیاء و ائمه (علیهم السلام) این است که به انسان نگاه صحیح و واقع‌بینانه بدهند؛ نسبت به خدا، انسان و جهان هستی؛ او را سمیع و بصیر نموده و بینش و چشم درون وی را اصلاح کنند (بقره، ۲). در طرف مقابل، یکی از ویژگی‌های کفار غشاوه (مانع درک حقایق) داشتن آنها معرفی شده است. (همان، ۷). یکی از راه‌کارها جهت دستیابی به شادی و کاهش رنج‌ها و آلام بشری که بسیار کارساز و مؤثر است، شناخت واقعیت دنیاست؛ آن‌گونه که خالق هستی آن را آفریده و با عناوینی توصیفش کرده است. در ادامه به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم.

۲-۱- ماهیتی وابسته

یکی از عناوینی که در دین اسلام جهت معرفی دنیا ذکر شده است مخلوق بودن دنیا و وابسته بودن کل عالم هستی به خداوند معرفی شده است. فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند بر هر چیزی تواناست. (آل عمران ۱۸۹). امام خمینی (ره) وابسته بودن تمام ذرات عالم هستی اینگونه بیان نموده‌اند: «می‌گوید: تمام ذرات کائنات، مسخر در تحت اراده کامله حق‌اند و به هیچ وجه و در هیچ چیز استقلال ندارند و تمام آنها در وجود، کمال وجود، حرکات، سکنت، اراده، قدرت و سایر شئون، محتاج و فقیر، بلکه فقر محض و محض فقرند». (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۵۵۰)

۲-۲- کالای اندک

یکی از توصیفات خداوند درباره دنیا، اینکه آن را به‌عنوان کالایی اندک معرفی نموده است. خداوند در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست». (توبه ۳۸). یکی از عوامل رنج‌کشیدن انسان‌ها اینکه بهره‌های دنیا را بسیار مهم می‌پندارند، لذا به‌دلیل به‌دست‌نیافتن یا از دست دادن آن بسیار اندوهگین می‌شوند. کسی که دنیا و بهره‌های آن را بزرگ بشمارد، تحمل ندارد آن را از دست بدهد. اما این تصور، واقعیت ندارد. خداوند در توصیف دنیا می‌فرماید: «ولی آنان به زندگی دنیا شاد شده‌اند و زندگی دنیا در برابر آخرت جز بهره‌ای [ناچیز] نیست». (رعد، ۲۶). کلمه «متاع و متعه» به‌معنای بهره‌بردن است. این واژه هنگامی که درباره دنیا و لذت‌های آن به کار می‌رود، بر گذرا و محدود بودن آن دلالت دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۷۵۷)

۳-۲- تنیدگی دشواری‌های دنیا با آسانی‌ها

از دیگر توصیف‌های دنیا که خالق هستی در قرآن بیان نموده است، پیچیدگی و همراهی سختی‌های دنیا با آسانی‌های آن است. خدا درباره این ویژگی دنیا می‌فرماید: پس بدان که با دشواری، آسانی است. آری، با دشواری، آسانی است. (انشراح، ۵۶). آری، یکی از عوامل رنج‌های دنیوی انسان، «پایدارپنداری سختی‌ها» است؛ اما این پنداری بیش نیست؛ زیرا خالق هستی دنیا را با ویژگی «همراه‌بودن دشواری با آسانی» معرفی کرده است که یکی از سنت‌های الهی در عالم هستی نیز می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳۱۵).

۴-۲- سرای آزمایش

دنیا و زندگی در آن برای آزمودن است و آزمودن، برای پی‌ریزی و ساخت شخصیت انسان. در زندگی دنیا گرفتاری‌هایی هست که انسان را به واکنش وامی‌دارد و چگونگی واکنش او موجب پرورش استعدادهای نهفته می‌شود؛ و اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام‌یک نیکوکارترید. (هود، ۷).

۳- واقعیت‌شناسی دنیا در روایات

دنیا به‌عنوان محل زندگی ما دارای اقتضاهایی است که خارج از اختیار ماست و ویژگی‌هایی دارد که براساس حکمت و مصلحت الهی تنظیم شده و خیر و صلاح انسان در آن است. لذا ابتدا باید ماهیت دنیا را شناخت و سپس به‌طور قلبی آن را پذیرفت. در روایات نیز درباره دنیا تعبیر بسیار پندآموزی وجود دارد که ماهیت آن را بیان می‌کند، به عنوان نمونه:

۱-۳- مصیبت‌کده

بی‌تردید، دنیا جایگاه و قرارگاه سختی‌ها و مصائبی است که انسان را فرا گرفته‌اند. امام‌علی (ع) می‌فرماید: مردم دنیا، آماج بلاها، هدف مصیبت‌ها و تاراج‌شونده رنج‌ها و مصائب هستند. (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۷).

۲-۳- سرای کوچ کردن

اگر نگاه انسان به دنیا و سختی‌های آن، این‌گونه باشد که آنجا خانه دائمی و مُلک او نیست،

تحمل رنج آسان تر می شود. درباره این حقیقت امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: دنیا، منزلگاه کوچ کردن است، نه سرای آرمیدن، خوبی آن، ناچیز است و بدی اش آماده؛ مُلکش از چنگ می رود و آبادش ویران می گردد. (همان: ۲۲۷۴).

۳-۳- سرای نابودی

از دیگر واقعیت شناسی دنیا که در کاهش رنج و درد بسیار مؤثر است، اینکه بدانیم زندگی در دنیا پایدار نیست، لذا سختی هایش نیز جاودانه نیستند. امام علی (ع) می فرماید: در کسب عزت و افتخارات دنیا با هم به رقابت برنخیزید و به زیور و نعمت آن، سرخوش نشوید و بر سختی و مشقت دنیا، بی تابی نکنید؛ زیرا عزت و افتخارات دنیا به سر می آید و زیور و نعمت آن، از بین می رود و سختی و مشقتش به پایان می رسد. هر زمانی از دنیا، پایانی دارد و هر زنده ای از آن، به نیستی و پوسیدگی می انجامد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۶: ۴۳۰).

۴- مثل های دنیا در روایات

در بیانات معصومان (ع) درباره دنیا مثل هایی هم بیان شده اند که برای درک ماهیت دنیا راهگشا هستند به عنوان نمونه:

۴-۱- مثل پل

دنیا همانند پلی است برای گذر به آخرت، لذا انسانی که در حال گذر از پل است ناملایمات آن وی را آزرده خاطر نمی سازد؛ زیرا برای رسیدن به خانه دائمی، پل واسطه ای بیش نیست. امام صادق (ع) از پندهای لقمان به فرزندش؛ فرزندم! دنیا را به سان پلی بر رودخانه ای بدان که از آن بگذری و رهایش کنی و هرگز به سویش باز نگردی. (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲۵).

۴-۲- مثل سایه و ابر

دنیا زودگذر است، لذا به سایه ابر و خواب تشبیه شده است؛ زیرا هر دوزودگذر هستند. امام علی (ع) می فرماید: (واسطی، بی تا: ۱۴۴؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۸). دنیا سایه ابر است. خوابی است که خفته می بیند. شادی پیوسته به غم و اندوه است. شهد آمیخته به سم است. رباینده نعمت ها، خورنده ملت ها و جلب کننده رنج و عذاب هاست.

۳-۴- مثل جامه دریده

یکی از مثل‌هایی که حقیقت دنیا را برای انسان آشکار می‌کند، اینکه مانند جامه‌ای دریده است و کنایه از کم‌ارزش بودن آن است، پس با دل‌نبستن به آن باید آسوده زیست. پیامبر خدا(ص) فرمود: مثل این دنیا، مثل جامه‌ای است که از سر تا ته، دریده و در انتهایش به نخ‌ی آویخته است. زود است که آن نخ نیز بگسلد. (ورام، ۱۴۱۰: ۳۱).

۴-۴- مثل سفر و مسافر

سفر، وسیله است نه هدف و زمان آن کوتاه است نه دائمی. اگر انسان، دنیا را یک (سفر) و خود را (مسافر) آن بداند، مشکلات و سختی‌های این سفر را تحمل نموده و بی‌تابی نمی‌کند. امام علی (ع) در مثلی زیبا دنیا را اینگونه توصیف می‌کند: حکایت کسی که دنیا را شناخت، (مردم دنیا در نظرش) حکایت گروه مسافرانی است که فرود آمدن در منزلگاهی خشک و بی‌آب و علف را دوست ندارند و آهنگ منزلگاهی سرسبز و خوش و خرم کنند. پس دشواری راه، فراق یار، سختی سفر و ناگواری خوراک را تحمل کنند تا به سرای دل‌باز و شادمان خود درآیند. چنین مسافرانی از هیچ یک از این سختی‌ها درد و رنجی احساس نمی‌کنند و از خرج کردن در این باره، زیان نمی‌بینند و هیچ چیز برای آنها سرور انگیز تر از آن چیزی نیست که آنان را به هدفشان و سر منزل مقصود نزدیک می‌گرداند. (ابن طاووس، ۱۳۷۵: ۱۰۳).

۵-۴- مثل مهمان‌خانه

کسانی از دنیا می‌نالند و رنج و شکایت را پیشه خود می‌سازند که دنیا را منزلگاه همیشگی خود و دارایی‌های آن را مُلک خود می‌دانند که توهم و پنداری بیش نیست، اما اگر انسان، خود را مهمان بداند، دل‌بسته دنیا نمی‌شود. در نتیجه، تحمل رنج‌ها آسان می‌شود و کوچ از آن نیز راحت‌تر صورت می‌پذیرد. پیامبر خدا(ص) فرمود: مردم در دنیا، میهمان هستند و آنچه در اختیار دارند، امانت است. میهمان رفتنی است و امانت پس‌دانی (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱۸۷). از آن‌چه در باره توصیفات دنیا در آیات و روایات بیان شد این نکته به دست می‌آید که دنیا ماهیتی گذرا و غیر قابل اعتماد است اساساً به موجودی که در حال گذر است اعتماد کردن کاری عاقلانه نیست.

۵- هستی‌شناسی و پیوند آن با رنج در آیین بودا

شناخت جهان، یکی از موضوعاتی است که در آیین بودا مطرح است و از مهم‌ترین مبانی فکری بودا شناخته می‌شود که در تحلیل مسئله رنج شناخت آن لازم و ضروری است. پیش از توضیح و تبیین دنیا از نظر (بودا) تذکر نکته‌ای بایسته است؛ بودا در هستی‌شناسی خود، حقیقت رنج را در سه نشانه (Trilaks) که برای هستی قائل است، بیان می‌کند: (Irons, 2008 p. 18; Harvey, 1990, p. 50; Gnanarama, 2000, p. 21)، ناپایداری هستی، رنج فراگیر در هستی، نداشتن جوهر در همه پدیده‌ها و نمودها در عالم هستی. در متن کهن دمه پده (این کتاب مشهورترین مجموعه است. کلمه «دمه پده» از دو بخش «دمه» به معنای آیین و «پده» به معنای راه و طریق که رویهم رفته «راه آیین» معنا می‌شود، تشکیل شده است؛ این نوشتار جزئی از مجموعه پانزده گانه «کودگه نیکایه» از سبد دوم بوداست). درباره این سه نشانه چنین آمده است: «همه آمیخته‌ها نپاینده- اند، هر که آن را با فراشناخت دریابد در رنج قرار نمی‌گیرد؛ این راه پاکی است. همه آمیخته‌ها رنج‌اند، هر که این را با فراشناخت دریابد در رنج قرار نمی‌گیرد؛ این راه پاکی است. همه چیزها خود ندارند؛ هرکس این را با فراشناخت دریابد در رنج قرار نمی‌گیرد؛ این راه پاکی است». رابطه این سه نشانه با هم نیز بدین ترتیب است: «شکل و ماده ناپایدار است و هر چیز که ناپایدار باشد، دوکه است و هر چه، دوکه باشد نمی‌تواند خود باشد» (همفریز: بی تا: ۴۴). بودا، جهان را واقعیتی تحقق‌یافته می‌داند. او بر این باور بود که همه پدیده‌هایی که در عالم هستی با آنها مواجه‌ایم، چیزی جز عناصر فریبنده نیستند؛ زیرا هستی آنها «قائم به نفس» نیستند (Thing in itself) (شیئی فی نفسه) یا بود (Noumenon) به معنای چیزهایی که به‌خودی‌خود که مستقل از ما و شناسایی ما هستی دارد و قائم به ذات است). و ماهیت و سرشتی ندارند که بتوان به آن تکیه کرد و اگر بخواهیم به درون آنها راه پیدا کنیم تنها چیزی که با آن مواجه می‌شویم، تهی و خالی بودن آنهاست. در آیین بودا جهان به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- بخش عینی

در اندیشه بودا، تولد مهم‌ترین گامی است که انسان از طریق آن پا به عرصه هستی می‌گذارد. بودا، آن را «واقعیت» نام‌گذاری می‌کند. وجود جسمانی انسان نیز در همین عالم واقعیت رشد و نمو می‌کند.

۲- بخش ذهنی

در گام بعدی، آدمی اندام‌های حسّی خود را به کار می‌اندازد و جهان را به اندازه توانایی خودش تجربه می‌کند. در گام بعدی، نیرویی در وی شکل می‌گیرد و به انسان توان برقراری ارتباط با داده‌ها را می‌دهد. به دیگر سخن، بودا بر این باور بود که انسان‌ها علاوه بر حواس پنج‌گانه، حسّ ششمی نیز دارند؛ بدین معنا که علاوه بر حواسّ بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه حسّ دیگری نیز وجود دارد با نام «جان»، به پالی (Mano) به معنای جان، مرام و منش انسانی و به آن «دانستگی» گویند که وسیله‌ای است برای تصورکردن و شکل‌بخشیدن به تصوّرات گوناگون. لذا در آیین بودا، جان ششمین قوای حسّی است که وظیفه اندیشیدن را برعهده دارد. درباره این شش حسّ در متن بودایی سم‌یوئه نیکایه، می‌خوانیم: «ای رهروان! جهان چیست؟ چشم‌ها و شکل‌ها، گوش و صداها، بینی و بوها، زبان و مزه‌ها، تن و چیزهای لمس‌پذیر، جان و چیزهای فهمیدنی» چنانکه از این گفتار پیداست، در انسان شش عضو حسّی وجود دارد نه پنج عضو؛ به این معنا که علاوه بر چشم، گوش، بینی، زبان و لامسه، جان یا «منش» نیز که عضو اندیشیدن است در انسان وجود دارد. نتیجه اینکه، در آیین بودا درک جهان به سه عامل بستگی دارد:

۱. شش عامل حسّی، به‌کارگیری و بهره‌مندی از آنها؛

۲. وجود محسوسات و موضوعاتی که دریافت آنها به کارکرد مناسب هر یک از این شش قوه حسّی بستگی دارد؛

۳. شش دانستگی، که از تماس هر یک از این شش حسّ با شناسه‌های آنها و احاطه و اشراف بر موضوعاتی است که در عالم هستی وجود ندارند.

بنابراین انسان‌ها جهان را آنچنان که هست درک نمی‌کنند، بلکه تصور و فهم از جهان به تأثرات حسّی آنها بستگی دارد (شومان، ۱۳۷۵، صص ۴۸-۵۰). ماهیت دنیا در آیین بودا دارای سه نشانه است که به اختصار از این قرارند:

۱-۵- ناپایداری یا انیچه (anicca) به سنسکریت انیتیه (anitya)

نخستین نشانه هستی، ناپایداری آن است؛ یعنی تمام ساختارها و اشیاء ترکیبی دست‌خوش تغییر و تحول‌اند. پدیده‌های عالم هستی، هرگز به یک شکل نمی‌مانند، بلکه آن به آن، از میان می‌روند و به شکل دیگری درمی‌آیند. هر پدیده، مانند شعله شمع فروزانی است که در ظاهر ثابت و پیوسته به

نظر می‌رسد، ولی در واقع هر لحظه آن با لحظه دیگر متفاوت است. پس هر حادثه که در جهان رخ می‌دهد، حلقه‌ای از حلقه‌های سلسله علل و اسباب است. بدین سان که آن حادثه معلول علت پیشین و علت معلول پسین است و این حلقه‌های پی در پی سلسله علل را در جهان تشکیل می‌دهند و همین استمرار پیدایش‌های متوالی، به پدیده‌ها پیوستگی ظاهری می‌دهد. هستی، عبارت است از همین دگرگونی مداوم و پیوسته. (Irons, 2008, p. 19; Buswell, 2003, p. 23; Servapalli,)
 سم یوئه نیکایه در فصل کنده وگه درباره این نشانه و ارتباط آن با دو نشانه دیگر و نتیجه شناخت آن، آمده است:

«ای رهروان! کالبد ناپاینده است. آنچه ناپاینده است رنج است. آنچه رنج است خود نیست. آنچه خود نیست از من نیست. من آن نیستم. آن، خود من نیست. باید چنین دید با دانش درست، چنان که هست. آن که با فراشناخت چنین می‌بیند، درباره گذشته نظری ندارد. با از میان رفتن گذشته، درباره آینده نظری ندارد. با از میان رفتن نظر درباره آینده، دیگر نظر نادرست ندارد. با از میان رفتن نظر نادرست، دلش به کالبد، احساس، ادراک، حالات دل و دانستگی، میل نمی‌کند و از دلبستگی‌های می‌یابد و از آلائش‌ها آزاد می‌شود؛ چون خود را آزاد کرد، استوار است. چون استوار است، شاد است. چون شاد است، پریشان نیست و به نیروانده کامل می‌رسد». (عسگری پاشایی، ۱۳۸۶: ۴۳۶). بنابراین هیچ چیز حتی برای لحظاتی کوتاه هم، نمی‌پاید. تنها یک چیز پاینده است و آن نیروانه است. (عسگری پاشایی، ۱۳۸۰: ۳۷۱).

۲-۵- نداشتن جوهر یا آناته (Anatta) به سنسکریت اناتمن (Anātman)

دومین نشانه هستی، نداشتن خود و نداشتن جوهر است؛ یعنی همه پدیده‌ها در جهان هستی دستخوش پیدایش، گذشتن و دگرگون شدن هستند و از آنجا که خود داشتن به معنای پایداری است و در نشانه اول دانستیم در هستی هیچ چیز پایدار وجود ندارد، لذا آیین بودا چیزی را به عنوان موجود «پاینده تغییرناپذیر» نمی‌پذیرد. (Olson, 2005, p. 58-59; Armstrong, 2004, p. 258;)
 (Nanamoli, 2003, p. 46; Gnanarama, 2000, p. 40-41; Sunyram, 1990, p. 3).
 نظریه «نداشتن خود» نتیجه نشانه اول «ناپایداری» است؛ چون همه چیز ناپاینده است، پُر از رنج است، چون خود ندارد (Conze, Edward, *Buddhist Scriptures*, p. 125; Olcott, 2009,)
 (p. 46). نظریه «عدم جوهر» یا به تعبیری «نبود خود» در مقابل نظریه برهمنی «خود» (Atman)

قرار دارد. «آتمن»، حقیقت ابدی است که واقعیتِ درون انسان را شکل می‌دهد و مانند رشته نامرئی همه هستی را به یکدیگر متصل می‌کند و به تعبیر «اوپانیشادها» در همه شئون هستی جاری است و در عین حال، اساس همه موجودات عالم هستی است که به آن «برهمن» نیز گفته‌اند. برهمن، «خود واقعی» یا «ضمیر انسان» یا «آتمن» است (شایگان، ۱۳۷۵: ۱۴۹). از این نشانه، می‌توان نتیجه گرفت که خدا، به عنوان خالق هستی و واقعیتی پایدار و تغییرناپذیر، در آیین بودا وجود ندارد (همان: ۱۵۰).

۳-۵- رنج یا دوهکه (Dukkha به سنسکریت Dukkha)

سومین نشانه هستی، رنج‌آور بودن آن است؛ به این معنا که همه نمودهای وابسته و مشروط رنج همراه آنهاست، لذا نباید به جهان و پدیده‌های آن دل بست (Christmas Humphreys, 1997, p. 10; Peter Harvey, *An Introduction to Buddhism Teachings*, p. 47; Armstrong, 2004, p. 117). این نکته، درباره شادی‌های زندگی نیز حکمفرماست؛ بدین معنا که شادی‌های دنیا نیز، چون ناپایدارند تصور به پایان رسیدن آنها مایه رنج و اندوه است. در واقع، ماهیت ناپایدار شادی، خود عامل رنج است. نخستین موعظه‌ای که بودا پس از رسیدن به روشن‌شدگی، در بنارس بیان کرد، آموزه رنج فراگیر بود. او اعتقاد دارد تا رنج از زندگی رخت برنبد، زندگانی نمی‌تواند زندگی نیکی باشد (Carl Olson, 2005, p. 30; Leela George, 2004, p. 27-28). گفتنی است برداشت و تلقی همه مکاتب هند از عالم هستی، بدبینانه است. به طور کلی همه آنها یک هدف را دنبال می‌کنند و آن رسیدن به «حقیقت» است. در کتاب «آنگوتیره نیکایه، نیپاته سوم سوره ۱۰۱»، درباره این نشانه، از بودا چنین نقل شده است: ای رهروان! آنگاه که من در جهان در پی خوشی بودم، راه خود را پیمودم و پی بردم که خوشی در جهان یافت می‌شود. من آن را با شناسایی فهمیدم. ای رهروان! من در جهان به جستجوی رنج راه خود را پیمودم و فهمیدم رنج در جهان یافت می‌شود. من آن را با شناسایی فهمیدم (پاشایی، ۱۳۸۶: ۹۵). نشانه سوم ماهیت دنیا که از سوی بودا مطرح شد رنج‌آلود بودن آن است که او در ابتدای رسیدن به مرحله روشنائی با عنوان چهار حقیقت برین بدان اشاره کرد. اینک توضیح مختصر هر کدام و پیوند آن با ماهیت دنیا مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۶- چهار حقیقت برین

همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، نخستین آموزه بودا پس از رسیدن به روشن‌شدگی، «رنج و رهایی از آن» بود (Jane, 2001, p. 30; Strong, 2008, p. 3; Alldritt, 2004, p. 27). وی پس از رسیدن به واقعیت زندگی، درمی‌یابد دو راهی (کامرانی و خودآزاری) که در آن زمان برای رهایی از رنج متداول بود، بی‌راهه‌ای بیش نیست و راه حقیقی، «راه میانه» است که دارای هشت‌گام است (Ortner, 2003, p. 17; Humphreys, 1997, p. 140). بودا، پس از پیمودن آنها به چهار «حقیقت برین» دست یافت (Wettimuny, 1955, p. 19; Harvey, Peter, 1951, p. 75; Harvey, Peter, 1990, p. 23; Gnanarama, 2000, p. 88). اینک توضیح هر یک از این چهار حقیقت:

۱-۶. حقیقت رنج (Dukka Sacca)

بودا در توضیح آن می‌گوید: «زاییده‌شدن، پیری، بیماری، مرگ، دوری از عزیزان و نرسیدن به آرزوها، همگی رنج‌اند» (Nanamoli, Bhikkhu, 2003, p. 214; Pategama, 2000, p. 50, Christopher, 2003, p. 121).

۲-۶. حقیقت خاستگاه رنج (Dukkha Samudaya)

خاستگاه رنج، تشنگی و عطش (Tanhā) است (Harvey, 1951, p. 75; Conze, Edward, 2000, p. 14). وی، منشأ رنج‌ها در زندگی انسان را در پرتو نظریه «زنجیره علی» تبیین می‌کند؛ او با مفهوم «علیت» به این نتیجه رسید که هر پدیده جهانی چه ذهنی و چه عینی، علتی دارد و معلول چیز دیگری است. در جهان، هیچ چیز غیرمشروط و قائم به ذات نیست. رنج نیز مشمول همین قانون است. (Gnanarama, 2000, p. 26). او به کمک این زنجیره نشان می‌دهد که علت رنج در این جهان، تولد است و آن نیز به سبب خواسته و میل و گرایش به متولدشدن است که چسبندگی و چنگ‌زدن ذهن ما به اشیاء جهان، شرط لازم برای متولد شدن است. (Rjdes, 2000, p. 60; Nanamoli, 2003, p. 219; Wettimuny, 1955, p. 135). اینک جهت آشکارشدن جایگاه این بحث (حقیقت دوم) توضیحی هرچند کوتاه درباره جایگاه زنجیره علی و چیستی آن مطرح می‌گردد. زنجیره علی، (پتیچه سموپاده) (patticca Samuppāda)، به سلسله علل و اسبابی گفته می‌شود که انسان را گرفتار درد و رنج می‌کند و مانع از آزادی و رهایی انسان و رسیدن به نیروانده می‌شود. این زنجیره که از آن به «چرخه حیات» (بوه

کارا (bhavacakra) نیز تعبیر می‌شود، (Humphreys 1962, p. 259; Buswell, 2003 p. 669) از پایه های اساسی آیین بوداست. این زنجیره، چرخه حیات گذرای انسان را از طریق دوازده حلقه مشروط توصیف می‌کند. در این زنجیره، هیچگاه انسان توقف ندارد و پیوسته از حالتی به حالت دیگر، دگرگون می‌شود. هریک از این دوازده حلقه زنجیره، به حلقه زنجیره پیشین وابسته است. در این صورت، انسان را باید یک فرایند گذرا دانست، نه وجودی تغییرناپذیر. (آرمسترانگ، ۱۳۸۷: ۱۱۴) به جهت فهم چگونگی رهایی از رنج از طریق شناسایی زنجیره علی، برخی پژوهندگان آیین بودا می‌نویسند: «اگر نادانی توسط نابود ساختن کامل میل از بین رود، تصورات و صور از بین می‌روند و در نتیجه نابود شدن تصورات و صور، شناسایی از میان می‌رود و چون شناسایی نابود شد، نام و جسم از بین می‌رود و بر اثر نابود شدن نام و جسم، حواس شش گانه از بین می‌رود و چون شش حس نابود گردد، تماس از بین می‌رود و چون تماس نابود شد، احساس نابود می‌گردد و اگر احساس نباشد میل پدید نمی‌آید و در نتیجه نابودی میل، علاقه به وجود و هستی در کار نیست و اگر علاقه به هستی نباشد، هستی موضوعی پیدا نمی‌کند و بر اثر نبودن هستی تولد معنا ندارد و اگر تولد در کار نباشد، پیری، مرگ، رنج و اندوه وجود ندارد». (Conze, Edward, 1964, p. 66;)

۳-۶- حقیقت رهایی از رنج (Nirodha)

همان رهایی از تشنگی و ترک آن است. انسان باید از این رنج خلاصی یابد و تنها راه آن هنگامی است که فرد بتواند مهار عواطف و امیال خود را بطور کامل در دست گیرد و به اندیشه و تدبیر دائم در باره حقیقت پردازد و انسان همه زنجیرهائی که موجب اسارت او در جهان می‌شود می‌گسلاند و به یک انسان مقدس (Arhat) تبدیل می‌شود این رتبه را «نیروانا» (nirvana) می‌نامند.

در این حالت انسان آتش همه شهوات را در خود خاموش کرده و در نتیجه از رنج و پریشانی نجات می‌یابد حس بینایی شکلی را می‌بیند، اما سالک میلی به آن پیدا نمی‌کند آن هنگام که سالک با حس شنوایی خود صدایی را می‌شنود، و با حس بویایی بوی خوشی احساس می‌کند، و با حس چشائی مزه ای را می‌چشد، و با حس لامسه چیزی را لمس می‌کند، و با اندیشیدن، چیزی را می‌شناسد میلی به آنها پیدا نمی‌کند و قصدی درباره آنها ندارد و سالک با تسلط بر حواس از تشنگیها

رهایی می‌یابد و حس تشنگی او خاموش می‌شود (نیروانه هدف نهائی تعالیم بودا است که پس از عمل به راههای هشتگانه مذکور در حقیقت چهارم بودا حاصل می‌شود) (شومان، ۱۳۶۲: ۸۲).

۴-۶- حقیقتِ راهِ رهایی از رنج

این حقیقت، چیزی جز «توقف تشنگی» نیست، تا آنجا که هیچ نشانی از آن نباشد. در این حالت، انسان آتشِ همهٔ شهوات را در خود خاموش کرده و در نتیجه، از رنج و پریشانی نجات می‌یابد. در این مرحله، بودا هشت راه نجات را مطرح می‌کند. (Wangu, Madhu, 2009, p64)

تحلیل و بررسی

پس از بیان ماهیت شناسی دنیا در دین اسلام و آیین بودا شباهت‌ها و تفاوت‌ها یی میان این مکتب وجود دارد.

۷- شباهت‌ها

۱-۷- پذیرش رنج در ماهیت دنیا

همان‌گونه بیان شد ماهیت دنیا در دین اسلام و آیین بودا، گذرا بودن آن معرفی شد که خود همین حالت، بستری جهت ایجاد رنج مهیا می‌کند؛ چه این‌که دانستن این نکته که (شادی) هر چند لذت‌بخش است از بین رفتنی است خود همین باعث رنج خواهد شد.

۲-۷- خاستگاه رنج در ماهیت دنیا

یکی دیگر از مشترکات میان دو دیدگاه همان‌گونه که در بخش اسلام و حقیقت دوم در آیین بودا بیان شد، این است که وابستگی انسان، به دنیا و مظاهر دلفریبش علت اساسی رنج در زندگی انسان است. در آیین بودا، تشنگی به معنای طلب و درخواست است. هر قدر دنیا خوشایند و لذت‌آور باشد، تشنگی از آنها نیز پدید می‌آید و بر سه قسم است: ۱. تشنگی کام؛ ۲. تشنگی هستی؛ ۳. تشنگی نیستی. دین اسلام نیز سرچشمهٔ رنج و اندوه را دلبستگی به دنیا می‌داند. در بیانی زیبا و دل‌انگیز امام علی در توصیف می‌فرماید: کسی که دلبسته به دنیا باشد، وجودش را غم و اندوه‌ها فرا گرفته، جانش پر از غم‌هایی شود که بر میان دلش برقصند، خواهشی اندوهگین می‌کند او را و خواهشی دیگر او را سرگرم و چنین است تا سرانجام راه نفسش می‌گیرد و از دنیا می‌رود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۶۱؛ حرانی، ۱۴۰۴ق، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۱).

۳-۷- گذرا بودن ماهیت دنیا

همان طور که گذشت هر دو دیدگاه دنیا را ماهیتی گذرا و غیر ثابت معرفی نمودند در بخش اسلام مثل‌هایی نظیر پل، سایه ابر، مسافر و... و در آیین بودا در نشانه اول ماهیت دنیا که با عنوان ناپایداری یا انیچه (anicca) از آن یاد شد.

۴-۷- امکان‌رهایی از رنج

هر دو دیدگاه در امکان‌رهایی از رنج اشتراک نظر دارند هرچند در راه‌رهایی از رنج با هم اختلاف دارند.

۸- تفاوت‌ها

تفاوت دین اسلام و آیین بودا در نوع نگاه به دنیا، و انسان هر کدام می‌توان جستجو کرد.

۱-۸- تفاوت در مبدأ آفرینش دنیا

درآموزه‌های اسلام، هستی دارای آغاز و فرجامی است. که خداوند در رأس هرم، مبدأ و منتهای عالم و آفریننده همه موجودات و کائنات است. این امر اندیشه انسان را از دایره طبیعت و انسان به حقیقتی یکتا در عالم رهنمون می‌کند: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره/۱۵۶) ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم. در آیه دیگر می‌خوانیم: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (حدید/۳) اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به هر چیزی داناست اما در آیین بودا درباره اعتقاد بودا به خدا به عنوان مبدأ عالم هستی دو نظر وجود دارد:

نخست، بودا وجود خدا را انکار کرده است و اساساً بودیسم، آیینی بدون خداست. (آرمسترانگ، ۱۳۸۳: ۲۴۵) دوم، او نه وجود خدا را تصدیق کرد و نه آشکارا به انکار وجود آن پرداخت؛ او فقط در برابر این پرسش همواره ساکت ماند. (Alldritt, Leslie, 2004: P. 75)؛ پاشایی، ۱۳۸۳: ۴۵۹) به هر حال، این شیوه برخورد را هر چه نام بگذاریم، در آیین بودای نخستین به خدا هیچ اشاره‌ای نشده و آیینی است کاملاً انسان‌محور و اخلاقی.

۲-۸- تفاوت در خاستگاه رنج در دنیا

نکته دیگر در تحلیل آموزه‌های بودا اینکه درباره منشأ وجود رنج در آیین بودا سخنی به میان نیامده است. بودا بحث از موضوعات متافیزیک را، امور بی‌فایده می‌داند (چاترجی: ۲۶۶) و رنج‌های

انسان فقط از ساحت وجودی خودش برخاسته. (Radhakrishnan, 2002, p. 363; Ben, 2011, p. 49). این در حالی است که در اسلام اراده انسان مغلوب اراده قاهر دیگری است و آن اراده، غالب و قاهر است که بر اساس تقدیر و تدبیر جهان هستی بر اراده انسان غلبه می‌کند. شاهد این مطلب هم این است که در دنیا انسان هرچه بخواهد یا محقق نمی‌شود و یا اندکی از آن محقق خواهد شد و امکان‌ناپذیر است انسان در زندگی دنیا به تمامی آن‌چه می‌خواهد دست یابد. این نکته مضمون آیه دوم است: ﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ﴾؛ (بلد: ۵) او گمان می‌کند که هیچ‌کس نمی‌تواند بر او دست یابد. آری، اگر اراده انسان مطابق با اراده خداوند گردد و اراده‌اش، در اراده خداوند فانی شود و به مقام رضا برسد، با آگاهی از اینکه همه حوادث عالم چه سختی‌ها و چه آسانی‌ها به اذن و اراده او صورت می‌گیرد و به‌خواست تکوینی، همگی به اراده اوست؛ دیگر رنج نمی‌برد. بنابراین انسان از ساختار زندگی دنیا و رنج‌های آن پی به اراده قاهری ببرد که آن مشیت خداست، تنها اراده اوست که به تمامی اراده عالمیان حکومت می‌کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۰: ۳۲۷)

۳-۸- تفاوت در هدفدار بودن مصائب و رنج‌ها

یکی از تفاوت‌های مهم در مساله رنج و مصیبت هدفدار بودن آن در اسلام می‌باشد. اسلام به مصیبت‌ها و مشکلاتی که در دنیا فرا روی انسان قرار می‌گیرد، معنا بخشیده و آنها را هدفمند می‌داند. از جمله اهداف تربیتی-توحیدی اسلام، اینکه نگرش افراد از وقایع رنج‌آور را عمق ببخشد و آنها را با کارکردهای مثبت آن آشنا سازد. اگر اعتقاد به خدا نباشد، سطح ارزیابی انسان از مشکلات سطحی و ظاهری بوده و نتیجه‌ای آن جز ناخرسندی نارضایتی به دنبال ندارد. در اسلام، خمیرمایه مصائب، خیر و خوبی است؛ به این معنا که در مجموعه نظام آفرینش سختی‌ها، شکست‌ها و ناکامی‌ها زمینه رشد و تکامل انسان را فراهم می‌کنند. (رهایی از رنج در آموزه‌های قرآنی و آیین بودا، موسوی، آموزه‌های قرآنی، ۱۳۹۲، شماره ۱۸) لذا در روایات مصائب و مشکلات به عنوان هدیه‌ای از سوی خدا معرفی شده است: امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: « مصائب و سختی‌ها هدیه‌ای است از سوی خداوند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۲۶۰).

۹- نتیجه

ماهیت دنیا در دو دیدگاه اسلام و آیین بودا شباهت‌های فراوانی با هم دارند از جمله ماهیت

گذرا داشتن آن، رنج آلود بودن ماهیت دنیا و راه رهایی از رنج‌ها، اما آنچه باعث افتراق دو دیدگاه می‌باشد وجود امتیازاتی است که در دین اسلام وجود دارد که این موارد در آیین بودا ذکری از آن به میان نیامده است؛ یکی از آن‌ها هدفداری رنج‌ها و مصائب هدفدار بودن وجود رنج و مصیبت در زندگی جزء موارد مهم فرق دو دیدگاه است؛ در اسلام مصیبت‌ها جنبه پرورشی و تربیتی دارند تا زمینه سعادت و تکامل انسان را فراهم کنند؛ اما در آیین بودا سخنی از سعادت و تکامل در تحمل رنج‌ها و مصائب به میان نیامده است و انسان اگر خواستار رهایی از رنج است بایستی از زنجیره علی (زادومرگ) رهایی یابد تا از رنج رهایی یابد؛ امتیاز مهم دیگر این‌که در اسلام منشأ رنج‌ها و مصائب اراده غالب و قاهری است که بر اراده انسان غالب است و اگر انسان بتواند اراده خویش را هماهنگ با اراده و خواست خداوند قرار دهد در نتیجه به مقام (رضا) رسیده و از رنج‌ها رهایی می‌یابد.

۱۰-منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، *کشف المحجبه لثمره المهجه*، قم، ۱۳۷۵ش.
۲. آرمسترانگ، کرن، *بودا*، ترجمه نسترن پاشایی، تهران، فراروان، ۱۳۸۷ش.
۳. بایر ناس، جان، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه: علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات: علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۶.
۴. تمیمی‌آمدی، عبدالواحد، *تصنیف غررالحکم*، تحقیق درایتی، قم، ۱۳۶۶ش.
۵. چاترجی، ساتیش چاندرا و داتا، *دریندا موهان*، معرفی *مکتب‌های فلسفی هند*، ترجمه فرناز ناظرزاده کرمانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش.
۶. حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول عن آل الرسول*، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۷. خمینی، سیدروح‌الله، *چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶ش.
۸. دیلمی، حسن، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۹. رهایی از رنج در آموزه‌های قرآنی و آیین بودا، موسوی، آموزه‌های قرآنی، ۱۳۹۲، شماره ۱۸.
۱۰. شایگان، داریوش، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۵ش.
۱۱. شومان، هانس ولفانگ، *آیین بودا طرح تعلیمات و مکتب‌های بودایی*، ترجمه: عسگری پاشایی، تهران: فیروزه، ۱۳۷۵ش.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *توحید در المیزان*، بی‌جا، نور فاطمه، ص ۳۱۵، ۱۳۶۳ش.

۱۳. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۱۴. ضیایی، سید عبد الحمید، تاثیر پذیری ایرانی از آیین بودا، فصلنامه شبه قاره هند، شماره بیست و یکم، ص ۱۰۳، ۱۳۹۳ش.
۱۵. پاشایی، عسگری، *بودا گزارش متن های کانون پالی*، نگاه معاصر، ۱۳۸۶ش.
۱۶. پاشایی، عسگری، *راه آیین*، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۰ش.
۱۷. عسگری، پاشایی، *فراسوی فرزاندگی*، تهران: نگاه معاصر، ص ۳۷۱، ۱۳۸۰ش.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، تحقیق: محمد باقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۰. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۲۱. نانسی، ویلسون راس، *بودیسم راهی برای زندگی و اندیشه*، ترجمه منوچهر شادان، تهران: بهجت، ۱۳۷۴.
۲۲. واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق: شیخ حسین حسینی، دارالحديث، بی تا.
۲۳. ورام، ابن ابی فراس، *تنبيه الخواطر*، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.
۲۴. همفریز، کریسمس، *ذن*، ترجمه منوچهر شادان، تهران، ققنوس، بی تا.
۲۵. هوپ، جین، *بودا*، ترجمه: علی کاشفی پور، طراح: بورین وان لون، تهران، ۱۳۷۸.
26. Irons, **Edward**, *Encyclopedia Of Buddhism, facts on file*, p. 18, 2008;
27. 10. Gnanarama, Pategama, *Essentials of Buddhism*, booklibaray, p. 50, 2000,
28. .Karen Armstrong, **Buddha**, penguin, p. 258, 2004;
29. Nanamoli, Bhikkhu, *The Life of the Buddha According to the Pali Canon, 3rd edition*, bps pariyatti editions p. 46, 2003;
30. Gowans, Christopher, *Philosophy of the Buddha An Introduction*, routledgw London and New York, p. 121, 2003
31. Harvey, Peter, *Buddhism*, continuum London and New york, p. 75, 1951;
32. Conze, Edward, *Buddhism A Short History*, onworld, p. 14, 2000 .
33. Pategama Gnanarama, **Essentials of Buddhism**, booklibaray, p. 40-41, 2000;
34. Conze, Edward, **Buddhist Scriptures**, penguin classics, p. 125;
35. Henry, Olcott, **The Life Of Buddha And Its Lessons**, the floating press p. 46, 2009
36. . Harvey, Peter, **An Introduction to Buddhism**, Cambridge University, p. 56, 1990;
37. Pategama Gnanarama, **Essentials of Buddhism**, booklibaray, p. 26, 2000;
38. Conze, Edward, **Buddhist Texts Through the Agse**, harper torchbooks, p. 11, 1964;

39. Grimm, George, *The doctrine of the Buddha*, Delhi, Motilal, Banarsidass, pp. 208-209, 1958;
40. Humphreys, Christmas, *A Popular Dictionary of Buddhism*, Curzon, p. 167, 1997
41. Young, Polly and Muramoto, Shoji, *Awakening and Insight Zen Buddhism and Psychotherapy Brunner Routledge*, Hove and New York, p. 232, 2002.
42. Harvey, Peter, *An Introduction to Buddhism*, Cambridge University, p. 58, 1990.
43. Buswell, Robert, *Encyclopedia of Buddhism*, p. 669, 2003
44. Irons, Edward, *Encyclopedia of Buddhism*, facts on file, p. 44, 2008
45. Pategama, Gnanarama, *Essentials of Buddhism*, book library, p. 21, 2000
46. Olson, Carl, *The Different Paths of Buddhism*, Rutgers, university press p. 45, 2005;
47. Conze, Edward, *Buddhist Texts Through the Ages*, harper torchbooks, p. 66, 1964
48. Irons, Edward, *Encyclopedia Of Buddhism*, facts on file p. 19, 2008;
49. 5. Robert E. Buswell, *Encyclopedia of Buddhism*, p. 23, 2003;
50. Radhakrishnan, Servapalli, *Indian Philosophy*, Volum1, p. 336;
51. Indra, Suny Ram, *The Buddhas Doctrine of Anatta*, Translated and published to preserve the original Thai edition, the Dhamma Study & Practice Group, 1990. P.3.
52. R j des, Wettimuny, *The Buddhas Teaching and the Ambiguity of Existence*, M. D. Gunasena & co, Ltd, 1955.p.135
53. Karen Armstrong, *Buddha*, Oxford University Press, p. 117, 1982;
54. The sacred books of the east, trans by Max Muller, Damma pada, vol 10, 190-191 p. 53
55. Pategama Gnanarama, *Essentials of Buddhism*, Book Library, p. 25, 2000
56. Carl Olson, *The Different Paths of Buddhism*, Rutgers, University Press, , p. 58-59, 2005;
57. Nanamoli, Bhikkhu, *The Life of the Buddha* According to the Pali Canon, 3rd Edition, Bps pariyatti editions, 2003, p. 214
58. Alldritt, Leslie, *Religions of the World Buddhism*, Chelsea Hous, 2004, p. 27.
59. Wangu, Madhu Bazaz, *World Religions Buddhism*, Chelsea Hous, 2009; p. 64